

مسمومیت آبستنی در میش

بیماری دوقلوزایی

منبع:

TV VET SHEEP Book -Fifth Edition

1986

Fariming press limited - London - by.

J.A. WATT

ترجمه: مهندس حمیدرضا ضیایی

به زبان ساده مسمومیت آبستنی توسط تغذیه ناکافی یا گرسنگی ایجاد میشود. به همین دلیل بیماری در دو ماه آخر آبستنی خصوصاً زمانی که کمیت و کیفیت جیره افت نماید اتفاق می افتد، هرگونه استرس اضافی می تواند شروع بیماری را جلو بیندازد، بطور مثال، بیماری در گله هایی دیده میشود که در مراتع بدون غذای تکمیلی یا با علوفه کم نگهداری می شوند و با این وجود گاهی اوقات ممکنست در مراتع خوبی که در زمستان نیز قابل چرا هستند، یا در هوای سرد که شبنم و برف باعث کاهش میزان علوفه قابل دسترس گردیده یا آنها را بکلی پوشانده نیز اتفاق بیافتد. این بیماری در کلیه نقاط دنیا مشاهده میشود.

طریقه ایجاد بیماری

در اواخر آبستنی خصوصاً زمانی که برهها دوقلو هستند، برای رشد تدریجی برهها طبیعتاً میش به غذای مناسب و کافی احتیاج دارد در غیر اینصورت مجبور خواهد بود از ذخایر بدنی خود که بصورت قند و گلیکوژن در کبد و ماهیچهها و بصورت چربی در سراسر بدن ذخیره شده است استفاده نماید.

میش گرسنه بسرعت تمام ذخیر قندی را مصرف میکند که این امر موجب کاهش حجم قند خون می شود. سپس نوبت چربی فرا می رسد، این ماده در کبد شکسته شده و در حین عمل تجزیه شدن کتونها که سمی می باشند بوجود می آیند (شکل ۱)

کتونها به نوبه خود در جریان خون تجمع پیدا نموده و اثر آن شبیه حالتی است که در اثر مصرف بیش از حد الکل در انسان بوجود می آید.

علائم بیماری

نخستین علامت بیماری، عدم تمایل میش به حرکت است که با هرگونه ناتوانی در راه رفتن کاملاً متفاوت می باشد. دام اغلب حالتی شبیه به «کودنی» دارد که این علامت همراه با تاریخچه آبستنی می تواند کلیدی برای تشخیص بیماری

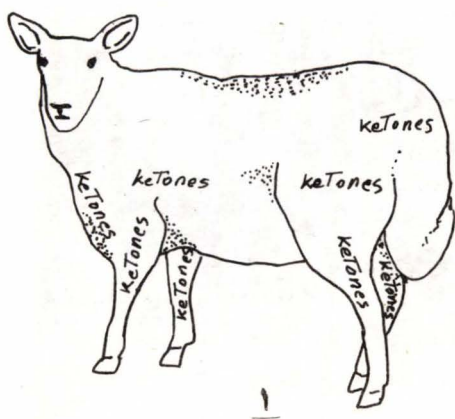
محسوب شود، در این حالت میش اغلب با سگ گله به جنگ و نزاع می پردازد. (شکل ۲)
در اینصورت دامپزشک میتواند تشخیص بیماری را با آزمایش خون از لثه میش بوسیله نوارهای تست گلوکز تأیید کند. در مراحل بعدی بیماری وضعیت سرمیش از حالت عادی خارج شده و به طرفین، بالا یا پایین متمایل می گردد. (شکل ۳) در دامهای مبتلا لنگش شروع شده و برداشتن قدمهای نامطمئن افزایش می یابد. در این حالت اختلال در بینایی و حتی کوری نیز مشاهده میشود. به همین علت است که در بعضی نقاط انگلیس این حالت بعنوان «کوری برفی» توصیف می شود.

درجه حرارت بدن غالباً طبیعی است اما اشتها کاملاً از دست میرود و میش مبتلا همواره بیوست دارد. در فاصله یک تا دو روز میش دیگر قادر به بلند شدن نیست و بصورت فزاینده ای به حالت اغماز رفته و طی یک تا شش روز تلف میشود.

درمان

درمان مبتلایان به هیچوجه رضایت بخش نیست، به غیر از مواردی که میش نزدیک زایمان مبتلا شود. مرگ و میر ناشی از بیماری حدود ۹۰ درصد است. روش درمانی نگارنده بشرح زیر است:

در حدود یک هفته قبل از برهزایی، به میش مریض کورتیزون و ویتامین های گروه B تزریق نموده و موادی شبیه شیره قند و گلیسیرین می خورانیم. کورتیزون موجب سقط جنین میشود اما غالباً بعد از تولد برهها بهبودی سریعاً اتفاق می افتد بنظر نگارنده این روش بهتر و ارزاتر از سزارین است. ولی اگر برهزایی در زمانی بیش از اینها صورت خواهد گرفت (که معمولاً بهترین روش تخمین زمان برهزایی از طریق امتحان پستانهاست) توصیه میشود میشهای مبتلا را روانه کشتارگاه نمائید ولی قبل از برداشتن این قدم میتوان از استروئیدهای آنابولیک نیز استفاده



نمود. با این اوصاف باید توجه نمود بهترین عمل درقبال این بیماری پیشگیری است و بهتر است هرگز مجبور به درمان مسمومیت آبستنی نشویم.

پیشگیری

برای کاهش یا حذف موارد مسمومیت آبستنی، باید به میزان کافی به امر تغذیه، بویژه در ۸ هفته آخر آبستنی که قسمت عمده رشد جنین در آن صورت می‌گیرد توجه نمود. نیاز به غذای اضافی در طول این دوره بستگی به تعداد بره‌هایی دارد که میش احتمالاً آنرا حمل میکند. مطمئن‌ترین تدبیر برای تغذیه میش‌های آبستن اینست که فرض شود تمام میش‌ها دارای جنین‌های دوقلو هستند زیرا غیر از رادیوگرافی (که آن هم نسبتاً گران است) روش دیگری جهت تعیین یک یا دو قلو بودن بره‌ها در شکم مادر موجود نیست.

یونجه خشک و پرپرگ مهمترین غذا بشمار میرود که همیشه باید آماده و در دسترس باشد. بگرات گله‌داران از این مسئله شکایت نموده‌اند که میش‌ها علوفه خود را نمی‌خورند، این سخن بی‌معنی است زیرا گوسفندها مثل گاو یا اسب مداوم علوفه نمی‌خورند، بلکه در فواصل معینی از آن تغذیه کرده و ذخیره خود را فراهم مینمایند. در تمام این مدت باید آب تازه و فراوان در دسترس آنها باشد.

هنوز هم عده‌ای از روستائیان بظاهر آگاه به این ایده نادرست معتقدند که «گوسفند آب نمی‌نوشد»، میش‌های آبستن به اندازه میش‌های شیروار احتیاج به آب دارند. گوسفندانی که بشکل بسته نگهداری میشوند بمیزان کافی آب و علوفه با کیفیت بالا برای رشد بره تک و دوقلو خود احتیاج دارند و باید توجه نمود چنانچه برای تغذیه فقط از علوفه استفاده میشود باید آنرا از لحاظ کیفیت آزمایش نمود. درشرایطی که میش‌ها در بیرون رها هستند، بیشتر علوفه جیره برای نگهداری دمای طبیعی بدن آنها مصرف میشود و غذای مکمل کنسانتره ضروری خواهد بود. زمان شروع استفاده از کنسانتره وقتی است که جنین برآستی شروع به رشد میکند یعنی هشت هفته قبل از بره‌زایی.

نگارنده در طول سالیان دریافته که کیفیت کنسانتره تا حد زیادی به نوع زمین و مرتع بستگی دارد، اگر میش‌ها چراگاه خوبی دارند بنابراین کنسانتره باید دست کم از نظر پروتئین غنی باشد، احتمالاً یک یا دو درصد غنی‌تر از بهترین

گوسفندان مناسب بنظر میرسد، بعقیده نگارنده، همواره بمبالغ قابل توجهی صرف تأمین مواد معدنی میشود در صورتیکه این مواد چندان هم ضروری نیستند.

با این توجه، علوفه مرغوبی که در ابتدا ذکر شد، مواد معدنی و عناصر کمیاب را بطور صحیح و به شکلی که به آسانی قابل جذب است دربر میگیرد. مواد معدنی اضافی علاوه براینکه موجب اتلاف آنها میشود، میتواند سبب آسیب کبدی و انقباضات روده‌ای میش شده و موجبات اسهال و حتی مرگ آنرا فراهم نماید. در مقدار و مصرف جیره دقت نموده و با دامپزشک یا مسئول محلی قابل اعتماد مشورت نموده، منیزیم و سایر عناصری را که در خاک و مرتع مزرعه شما کمیاب هستند به جیره اضافه کنید.

هشت هفته قبل از بره‌زایی (علاوه بر آب و علوفه مصرفی در جیره آزاد) از روزانه ۲۵۰ گرم از کنسانتره‌ای که تهیه کرده‌اید شروع نموده، بتدریج آنرا افزایش داده، کیفیت تغذیه میش‌ها را بطور روزافزون افزایش دهید. در چهار هفته قبل از بره‌زایی روزانه ۷۵۰-۴۵۰ گرم کنسانتره دراختیار هررأس میش قرار داده و در پایان دوره آبستنی این مقدار را برحسب نژاد یا جثه گوسفند به ۱۳۵۰-۱۱۰۰ گرم برسانید. در زمستانهای سخت ۵ تا ۱۰ درصد پروتئین حیوانی (پودر ماهی، پودر گوشت و استخوان) در طول ۳-۴ هفته آخر به جیره اضافه کنید.

اگر تمام این اعمال را انجام دهید، مسمومیت آبستنی تنها زمانی اتفاق می‌افتد که شما اجازه دهید شرایط برای یخ زدن آب فراهم شود. بنابراین هرگز فراموش نکنید که در آب و هوای خیلی سرد همیشه روزی چند بار یخ آب را بشکنید.



علوفه در مزرعه. اگر زمین و مرتع نسبتاً فقیر هستند، در این صورت کنسانتره غلات که از جودوسر و ذرت خرد شده و تشکیل یافته همان نقش را ایفا خواهد نمود. ولی بهتر است دانه جو را از جیره حذف کنید چون طبق تجارب حاصله جو به همان میزان که به گاوها لطمه میزند می‌تواند به میش‌های آبستن نیز صدمه وارد کند.

نگارنده شیره قند رقیق شده را همواره بعنوان مکمل توصیه می‌نماید. خوراندن چنین مایعی به میش‌ها باعث خوش خوراک و آبدار شدن علوفه گشته (کتوزنیک شدن) و بعنوان کربو هیدرات آماده مصرف از بوجود آمدن مواد کتونوی و در نتیجه ایجاد مسمومیت آبستنی جلوگیری می‌نماید. در تمام نواحی که کمبود منیزیم دارند اضافه کردن منیزیم به جیره ضروری است. بهتر است به هررأس گوسفند روزانه حدود ۷ گرم منیزیت آهکدار داده شود (چنانچه تفاله چغندر بدان اضافه شود گوسفند به بهترین نحو میتواند از آن استفاده کند) توصیه می‌شود این ماده اواسط خرداد به گوسفند خورانده شود. در مورد سایر مواد معدنی ضرورت تجویز مکملها به نوع زمین و استاندارد زراعت بستگی دارد. تنها عنصری که نگارنده برای مزارع غنی توصیه می‌نماید، استفاده از آجرهای لیسیدنی حاوی ۵ درصد مس در فرم‌هایی است که علائم کمبود مس را از خود نشان میدهند.

جای هیچ شک و تردید نیست که مس در هر میزانی که باشد برای کلیه گوسفندان خطرناک است و فقط استفاده از آجرهای لیسیدنی ضعیف (از نظر مس) روش مطمئنی است که برای تغذیه